

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره شهدای جامعه عشایری کشور - 31 / خرداد / 1401

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ [۱]

و الحمد لله رب العالمین و الصلّٰة و السّلام علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، عشایر عزیز و گرامی سرتاسر کشور. ولادت حضرت ثامن الحجج (سلام الله علیه) را به هم‌هی شما تبریک عرض میکنم و از اینکه این کنگره را، این بزرگداشت را تشکیل می‌دهید صمیمانه از شما تشکر میکنم؛ کارتان بسیار کار خوبی است، کار درستی است. این بزرگداشتی که تشکیل می‌دهید و این جلسه‌ی ما یک فرصتی هم هست که توجّه و نظر عموم مردم کشور را به عشایر جلب کند. امام فرمودند عشایر ذخایر انقلابند، ذخایر کشورند. [۲] مردم نباید فراموش کنند که ما یک مجموعه‌های باارزش از عشایر داریم که اینها ذخیره‌ی کشورند؛ این باید دائماً به یاد مردم بیاید. یکی از فواید این دیدار امروز ما و جلسه‌ای که شما در زمان خودش [۳] خواهید داشت، همین است که ملت ایران را با عشایر و ارزش عشایر آشنا میکند.

من یک مختصری راجع به عشایر می‌خواهم عرض کنم، لکن قبل از آن به بیانات این برادران اشاره میکنم. بیانات خوبی است؛ این فعالیت‌هایی که هر دو برادر ذکر کردند در مورد این کنگره یا بزرگداشت‌های این بیست سال، خب کارهای باارزشی است. من هم اینجا در این راهرو نگاه کردم این تصویری را که از فعالیت‌ها انجام گرفته و با دقت همه را دیدم؛ کارهای خوبی انجام گرفته. این سه رویکردی هم که ایشان ذکر کردند، هر سه رویکرد مهم است، منتها یک نکته‌ای وجود دارد و آن این است که شما وقتی تجهیزیه می‌دهید به یک خانواده‌ای، خب این تجهیزیه به دست او میرسد و استفاده میکند، شما هم می‌فهمید که استفاده کرده‌اند؛ نقد است؛ حتی آنچه به این نقدی هم نیست، مثلاً فرض کنید مثل کاشت نهال، خب نهال را میکارید - من تصویرهایش را اینجا دیدم - بعد از دو سال، پنج سال، ده سال، اینها سربلند میشوند و یک جنگل، یک باغستان، یک فضای سبزی را به وجود می‌آورند؛ این را هم شما به چشمتان می‌بینید اثرش را. کار فرهنگی چطور؟ خب شما کتاب تهیه کردید، فیلم تهیه کردید؛ خروجی این کتاب شما و این فیلم شما چه شد؟ این مهم است؛ این دیگر به آن آسانی نیست؛ دشواری کار فرهنگی همین است؛ مشکل کار فرهنگی همین است که شما با کمیّت و با کار مادّی نمیتوانید نتیجه‌ی آن را قطعی بدانید. کتاب را انسان چاپ میکند، ممکن است این کتاب را صد نفر بخوانند، ممکن است ده هزار نفر بخوانند؛ ممکن است همه‌ی چاپ اولش هم فروش نرود، ممکن است به صد چاپ هم برسد؛ چه کارش میکنید؟ چه جور عمل میکنید که این کار فرهنگی به نتیجه برسد؟

ما امروز در همه‌ی آحاد ملت ایران، از جمله در عشایر، بیش از همه چیز به کار فرهنگی احتیاج داریم. دشمن ملت ایران، دشمن اسلام، دشمن کشور، دشمن جمهوری اسلامی، تکیه‌اش امروز به جنگ نرم است که حالا من بعداً شاید یک اشاره‌ای کردم. غرض، دوستانی که دست‌اندرکار مسائل این جور بزرگداشت‌ها هستند و به کار فرهنگی هم توجّه دارند، به این نکته‌ای که عرض کردیم توجّه داشته باشند: بازخورد کار شما چه شد؟ خروجی کار شماها چه شد؟ تأثیراتش در جامعه‌ی عشایری چه اندازه است؟

عشایر ایران جزو باوفاترین قشرهای ملت ایرانند. اینکه عرض میکنیم «جزو باوفاترین»، از روی سلیقه و حدس نیست؛ با توجّه به اتفاقاتی است که در کشور افتاده و ما میدانیم. هم در تاریخ نزدیک خودمان، هم در تاریخ این دو بیست سیصد سال گذشته، داستانها وجود دارد از تلاشی که خارجی‌ها و مخصوصاً انگلیسی‌ها کردند برای نفوذ در

عشایر؛ کارهای عجیب و غریبی که حالا اگر وقت بود و مجال بود و انسان اینها را میگفت، بد نبود؛ باید در کتابها بخوانید. خارجی‌ها تلاش کردند برای اینکه بتوانند در عشایر نفوذ کنند و آنها را به یک شکلی وادار به خیانت به کشورشان بکنند - حالا به شکلهای مختلفی؛ با تجزیه، با جنگ داخلی، با انواع و اقسام کارهای گوناگون - اما نتوانستند آنها را به آن سمتی که خودشان میخواهند سوق بدهند و بکشانند؛ این «باوفاترین‌ها» و «جزو وفادارترین‌ها» که عرض میکنیم، به خاطر این است.

در همین دوران اخیر، یعنی دوران انقلاب، دوران دفاع مقدس و دوران بعد از دفاع مقدس هم عشایر امتحانهای خوبی پس دادند؛ همین که در بین جامعه‌ی عشایری بیش از یازده هزار [نفر از این] جمعیت به شهادت میرسند، این خیلی مهم است. این جور نبود که همه‌ی عشایر ما لب مرز باشند، مورد تهدید باشند؛ البته بعضی لب مرز بودند و بلافاصله در دفاع مقدس مورد تهدید قرار گرفتند، اما بعضی هم نه، وسط کشور بودند و تهدید مستقیمی متوجه آنها نبود، اما در عین حال به سمت میدانهای دفاع مقدس شتافتند و دفاع کردند و تلاش کردند و کار کردند.

چه عاملی موجب شد که عشایر کشور ما با اینکه قومیت‌هایشان مختلف است، زبان‌هایشان مختلف است، این جور کنار هم بایستند و در خدمت اسلام قرار بگیرند، در خدمت کشور قرار بگیرند؟ این نخ تسبیح، چه چیزی بود؟ دین و دینداری بود. دین، عامل وحدت است، عامل پیشرفت است، عامل فداکاری و از خودگذشتگی است؛ عامل دین، عشایر را وادار کرد که این جور در میدانها در کنار هم باشند؛ نگذاشت این تنوع‌های قومیتی و امثال اینها بین آنها جدایی به وجود بیاورد، اختلاف به وجود بیاورد؛ دین یک چنین تأثیری دارد.

امام راحل بزرگوار ما هم با استفاده از همین عامل توانست این انقلاب عظیم را به وجود بیاورد و به پیروزی برساند و بعد از پیروزی انقلاب توانست با همین عامل کشور را حفظ کند. اگر عامل دین نبود، انقلاب پیروز نمیشد؛ مطمئن باشید. هیچ عامل دیگری قادر نبود این جوانهایی را که با دست خالی می‌آمدند به خیابانها و در مقابل گلوله، در مقابل تفنگ سینه سپر میکردند، بیاورد در این میدان دشوار و سخت؛ هیچ عامل دیگری نمیتوانست؛ ایمان دینی اینها را آورد. امام از این استفاده کرد برای اینکه این انقلاب به پیروزی برسد، بعد هم از عامل ایمان مردم استفاده کرد برای اینکه این کشور را مصونیت ببخشد. این کشور، بعد از انقلاب، مورد طمع قرار گرفت، به آن طمع کردند. این جور نبود که ناگهان به کله‌ی خود صدام بزند که بلند بشود [بباید]؛ نخیر، تحریکش کردند، وادارش کردند، به او امید دادند، به او وعده دادند، به وعده‌شان هم عمل کردند؛ به او پول دادند، سلاح دادند، نقشه‌ی جنگی دادند برای اینکه بیاید. غرض این نبود که بیاید یک قسمتی از کشور را جدا کند؛ غرض این بود که بیاید با جدا کردن یک بخشی از کشور یا با انواع روشهای دیگر، انقلاب اسلامی را از بین ببرد؛ هدف این بود. آمریکا پشتش بود، انگلیس پشتش بود، فرانسه پشتش بود، دولتهای مرتجع پشتش بودند و هر کسی دنباله‌رو اینها بود؛ اینها همه آمدند میخواستند کشور را تکه‌پاره کنند، اینها میخواستند کشور را برگردانند زیر سلطه‌ی آمریکا، اینها میخواستند ملت ایران را اسیر کنند، امام نگذاشت؛ با چه وسیله‌ای؟ با وسیله‌ی دین؛ دین این جور است؛ ایمان دینی یک چنین تأثیری دارد.

شهادت شما هم یک مظهر زیبا و باشکوهی هستند از همین ایمان دینی. این یازده هزار شهیدی که شما دادید، اینها در واقع دارند تأثیر ایمان دینی را نشان میدهند. این جوان میتوانست در خانه‌ی خودش، زندگی خودش، در محیط خودش، پیش پدر و مادر خودش، پیش همسر خودش، پیش بچه‌های خودش بماند، از لذات زندگی بهره‌مند بشود - به همان مقداری که ممکن است - اما این کار را نکرد، همه را رها کرد؛ فرزند عزیز را رها کرد، همسر عزیز را رها کرد، پدر و مادر دلباخته‌ی خودش را رها کرد رفت؛ برای چه؟ این انگیزه چه بود؟ انگیزه دین بود؛ حالا یا رزمنده بود و برگشت، یا جانباز شد، یا شهید شد. پدر و مادر او هم که توانستند این مصیبت را، این سختی را، این آتش دل را خاموش کنند، تسلا پیدا کنند، به برکت دین بود، [اثر] دین بود.

یک دوست ما پسرش در تصادف از بین رفته بود، یک قدری ناراحت بود؛ پدر سه شهید آنجا بود، من گفتم شما یک پسر رفته، این آقا سه پسرش رفته؛ گفت آقا، پسرهای این [آقا] شهید شدند، این غصه ندارد! ببینید، حرف درستی هم هست. بله، سوزش دل هست – این جرحی [۴] که بر دل پدر و مادر وارد میشود قابل انکار نیست – اما خانواده‌های شهدا تسلا پیدا میکنند، صبر میکنند، چون میدانند که این جوانشان پیش خدا است، زنده است؛ با خدا معامله میکنند. إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُفَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ؛ [۵] هر دویس اجر دارد: هم از دشمن تلفات بگیرید اجر دارد، هم خودتان به دست دشمن کشته بشوید اجر دارد. اینها با خدا معامله کردند؛ هم آن جوان با خدا معامله کرد، هم این پدر و مادر و همسر با خدا معامله کردند. عامل دین را نباید در این قضیه فراموش کرد.

خب حالا بعضی‌ها در تحلیل‌های گوناگونی که میکنند، [میگویند] این جوان رفت از مرزهای کشورش حراست کند، امنیت را ایجاد کند. خب بله، معلوم است؛ امنیت کشور، مصونیت کشور، ناشی از همین فداکاری‌ها است، ناشی از همین شهادتها و جانباختن‌ها و مبارزه‌ها و درگیری‌ها است؛ شکی در این نیست که این موجب امنیت کشور است، اما انگیزه‌ی او دین بود، خدا بود؛ انگیزه‌ی او را نباید به چیزهای کمتر از دین فرو کاست و تقلیل داد. در واقع اینها برای خدا حرکت کردند، برای خدا کار کردند و عزت شهدا هم به خاطر همین است؛ عزت شهدا هم به خاطر همین است. خب حالا بعضی‌ها هستند که با دین سر و کاری ندارند، این شهادتها را هم نمیتوانند انکار کنند، [لذا] در انگیزه‌ها دست میبرند. و یکی از مهم‌ترین ابعاد جنگ نرم دشمن همین است که این انگیزه‌ی دین را – که مهم‌ترین انگیزه است، بالاترین انگیزه است – در بین مردم خاموش کنند یا تضعیف کنند.

امروز هر کاری در کشور علیه سنت‌های دینی و مقدسات دینی انجام بگیرد، یک انگیزه‌ی سیاسی پشتش هست؛ ممکن است خود طرف نداند، اما هست و به این راه کشانده شده. تضعیف دین، تضعیف سنت‌های دینی، تضعیف شعائر دینی و مناسک دینی، زیر سؤال بردن اینها، غیر منطقی جلوه دادن اینها، همه چیزهایی است که دشمن از اینها استفاده میکند؛ حالا ممکن است این کسی که [این] کار را انجام میدهد نداند، توجه نداشته باشد؛ بله، گاهی بعضی‌ها از روی غفلت یک حرکتی انجام میدهند.

امروز سعی دشمن این است که ایمان دینی را تضعیف کند، امید را تضعیف کند، خوش بینی به آینده و به مدیریت کشور را تضعیف کند؛ اینها چیزهایی است که روی آن دارند برنامه‌ریزی میکنند، روی آن برنامه‌ریزی میشود. [مثلاً] چه کار کنند که عقیده‌ی مردم این بشود که آینده‌ای ندارند، آینده بن بست است و در کوچ‌های بن بست قرار دارد؛ روی این برنامه‌ریزی میکنند، برنامه‌سازی میکنند، در فضای مجازی و گاهی متأسفانه در فضاهای رسمی خود ما اینها را بین مردم جوری پخش میکنند که مردم به این نتیجه برسند که راه‌ها بن بست است، راه‌ها خطا است یا به این نتیجه برسند که مسئولین کشور، مدیریت کشور، بلد نیستند کشور را اداره کنند. این همه زحمت دارد کشیده میشود، این همه تلاش میشود، در مقابل این تلاشها این جوری [برخورد میشود]. حالا فرض بفرمایید، من باب مثال نیروی انتظامی کشور مثلاً یک تعدادی دزد را ظرف ۴۸ ساعت بعد از دزدی دستگیر میکنند؛ [۶] خب باید تشویق بشوند، [اما] در رسانه‌ی ملی خود ما جوری حرف زده میشود که به جای تشویق، کآه سرزنش میشوند! عمدی که نیست – مسلم است که عمدی نیست – اما غفلت است؛ این غفلتها به سود دشمن تمام میشود. هر کسی که مردم را از آینده ناامید کند برای دشمن دارد کار میکند؛ چه بداند، چه نداند. هر کسی ایمانهای مردم را تضعیف کند به سود دشمن دارد کار میکند؛ چه بداند، چه نداند. هر کسی مردم را نسبت به فعالیت و تلاش و برنامه‌ریزی‌های مسئولین کشور بی‌اعتقاد و بدبین بکند، دارد به سود دشمن کار میکند؛ چه بداند، چه نداند.

مسئولین بسیج هم که در زمینه‌ی مسائل عشایر کار میکنند، [کارشان] کار باارزشی است. این کارهایی که دوستان

ذکر کردند، نمونه‌هایش را اینجا ما مشاهده کردیم در تصویرها؛ این کارها را دنبال نکنید، این کارها با ارزش است. اما مسئولش فقط بسیج نیست؛ بسیج یک محدودیتی دارد، یک امکانات محدودی دارد، به قدر امکانات خودش تلاش میکند. همه‌ی مسئولین کشور باید تلاش کنند، مسئولین ذی‌ربط باید مشکلات عشایر را شناسایی کنند، اینها را برطرف کنند و همین طور که عرض کردم، بالخصوص روی مشکلات فرهنگی باید فکر کنند، کار کنند، برنامه‌ریزی کنند، برنامه‌ی درست ان‌شاءالله انجام بگیرد.

امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال شماها را توفیق بدهد، درجات شهدای عزیز شما را عالی کند. شهدای شما و همه‌ی شهدای کشور کسانی هستند که به ماها یاد دادند باید امیدوار بود؛ یعنی رزمندگان ما در شرایطی وارد میدان رزم شدند که واقعاً به حسب محاسبات عادی هیچ امیدی به پیروزی نبود؛ واقعاً هیچ امیدی به پیروزی نبود. روز سوم یا چهارم شروع حمله‌ی صدام بود که خبرها از دزفول و اهواز و مانند اینها پشت سر هم میرسید؛ بنده رفتم از امام اجازه گرفتم، گفتم میروم آنجا شاید بتوانم نیرو جذب کنم، یقین داشتم – تقریباً یقین، شبیه یقین – که برگشتی در کار نیست؛ رفتیم آنجا با این توهم که اصلاً امکان ندارد کاری انجام داد. خب شما ملاحظه کردید جمهوری اسلامی، جوانهای ما، فرماندهی امام بزرگوار جوری عمل کرد که این دفاع مقدس با عزت مطلق جمهوری اسلامی تمام شد، دشمن منکوب شد، بینی‌اش به خاک مالیده شد. این امید را رزمندگان ما دادند؛ یعنی در همه‌ی شرایط، حتی شرایطی مثل شرایط اول جنگ، بایستی انسان امیدوار باشد به کمک الهی و به همت خودش. ان‌شاءالله خداوند متعال با شماها بر طبق همین امیدها رفتار کند، توفیقتان بدهد، کمکتان کند، بتوانید ان‌شاءالله از تلاشی که انجام میدهید نتایج مطلوب را بگیرید. سلام ما را هم به همه‌ی عشایر کشور که شما اینجا نماینده‌هایشان هستی برسانید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

[۱]. در ابتدای این دیدار، آقایان سرتیپ پاسدار غلامرضا سلیمانی (رئیس سازمان بسیج مستضعفین) و سرهنگ پاسدار احمد سعیدی (رئیس سازمان بسیج عشایر کشور) مطالبی بیان کردند. نمایشگاهی هم از فعالیت‌های انجام‌شده در خصوص این کنگره در راهرو حسینیه‌ی امام خمینی (ره) دایر شده بود.

[۲]. صحیفه‌ی امام، ج ۸، ص ۱۹؛ سخنرانی در جمع عشایر کهگیلویه و بویراحمد (۸/۳/۱۳۵۸)

[۳]. این کنگره از تاریخ ۳۱/۳/۱۴۰۱ به مدت سه روز در استان چهارمحال و بختیاری برگزار میشود.

[۴]. زخم، جراحت

[۵]. سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۱۱۱؛ «در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است؛ همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و میکشند و کشته میشوند...»

[۶]. به دنبال سرقت گسترده از صندوقهای امانات یکی از شعب بانک ملی در تهران، مأموران فراجا طی عملیاتی گسترده و در کمتر از ۴۸ ساعت، تمامی سارقان را شناسایی و دستگیر، و بخش عمده‌ی اموال سرقت‌شده را کشف و ضبط کردند. این موفقیت در مقایسه با تبلیغات وسیع ضدانقلاب و رسانه‌های بیگانه در القای عدم امنیت در کشور، در رسانه‌ی ملی مورد بی‌مهری قرار گرفت.